درباره واگذاری حفاظت منابع طبیعی بدون دیدن همه ابعاد

نفس جنگل را نگیرید

الهه پهلوان
کارشناس ارشد برنامه‌ریزی محیط‌زیست

عوامل انسانی و مدیریت نادرست تهدیدهای مناطق جنگلی باعث افت کیفی و کمی جنگل‌ها شده است و این موضوع در کنار فشارهای طبیعی مانند تغییر اقلیم، خشکسالی و کمبود بارش‌ها و... جنگل را مستعد جذب آفات و بیماری‌ها یا حریق‌های بیش از حد طبیعی کرده است؛ حتی اخیرا نتایج یک پژوهش نشان داده در جریان گرمایش زمین، جذب دی‌اکسید کربن برای گیاهان سخت‌تر شده است! از سوی دیگر حل بحران‌های جنگلی هم بسیار سخت شده، زیرا بخشی از این موارد ناشی از مدیریت نادرست و عوامل انسانی تشدیدکننده و سیاستگذاری‌هایی تقریبا اشتباه یا ناسازگار با شرایط فعلی مناطق برمی‌گردد. ازجمله مشکلاتی که در حال حاضر جنگل‌های ما با آن روبه‌رو هستند، می‌توان به برخی از آنها اشاره داشت: قطع بی‌رویه درختان برای صنایع چوب، تولید زغال، آتش‌سوزی، برداشت غیرمجاز و قاچاق چوب، تغییر کاربری اراضی، ویلاسازی، راه‌سازی، جاده‌سازی، سدسازی، خدمات تفریحی مانند احداث تله‌کابین و... فقدان مجازات بازدارنده درخصوص متخلفان و قانون نخ‌نما و قدیمی حفاظت و بهره‌برداری از جنگل‌ها و مراتع مصوب ۱۳۴۶، عدم‌شکل‌گیری مفهوم واحد از آمایش سرزمین در میان برخی افراد (مثلا برخی سازمان‌ها و نهادها با وجود فضاهای مناسب جهت توسعه گردشگری، صنایع و... و درواقع با وجود امکان جانمایی فنی و اصولی و بر مبنای آمایش سرزمین، اصرار بر جانمایی غلط و تخریب برخی مناطق مهم یا جنگلی دارند)، کمبود پژوهش‌های کاربردی در ارتباط با نحوه و میزان بهره‌برداری پایدار از مناطق جنگلی، حفاظت از جنگل‌ها با تعداد نیروی نامناسب؛ به نقل از سرهنگ رضا اکبری، فرمانده یگان حفاظت منابع‌طبیعی کشور، براساس استاندارد جهانی باید ۳۶ هزار تن نیروهای جنگلبانی داشته باشیم، اما در حال حاضر ۵۳۰ نفر نیروی حفاظتی داریم، یعنی برای هر ۲۶ هزار هکتار یک نیرو! به گفته جانشین فرمانده یگان حفاظت اداره کل منابع طبیعی و آبخیزداری کرمانشاه (فرشید سنجری)، براساس استاندارد جهانی باید به ازای هر ۵۰۰۰ هکتار جنگل و هر ۳۰ هزار هکتار مرتع یک جنگلبان وجود داشته باشد. این در حالی است که در مقایسه با استاندارد در کشورهای توسعه‌یافته، این میزان فاصله زیادی دارد و برای افزایش ضریب حفاظتی باید به استانداردها نزدیک شد. این تعداد کم جنگلبان نه‌تنها برای حفظ جنگل‌ها کافی نیست بلکه عاملی شده است که قاچاقچیان چوب از این تعداد کم نیرو سوءاستفاده کنند و جنگلبانان را در فرصتی مناسب مورد ضرب و شتم بی‌رحمانه قرار دهند. اگرچه ایران به‌دلیل قرارگرفتن روی کمربند خشک جهان به‌صورت طبیعی در زمینه جنگلی فقیر بوده، اما با تداوم این رویه به گفته کارشناسان تا ۵۰ سال آینده چیزی از جنگل‌های ایران باقی نخواهد ماند. پس از مدیریت و محافظت از جنگل‌های موجود، از طریق شیوه‌ها و طرح‌هایی مانند طرح تنفس جنگل و... قطعا یکی از اقدامات اساسی در حال حاضر طرح کاشت درخت است. درخصوص نابودی جنگل‌ها با طرح‌های فاقد کارشناسی مهدی بصیری، عضو هیات علمی دانشگاه صنعتی اصفهان معتقد است: «یکی از اشتباهات در کشور ما ارائه طرح‌های بدون کارشناسی بوده که از همان ابتدا اشکالات آن رفع نمی‌شود و پس از پنج سال می‌گویند طرح یا پروژه موفق نبود. لذا باید تحقیقات وسیعی با اقدام و عمل در زمینه احیای جنگل‌ها و مراتع انجام داد و سپس وارد مرحله عملیات شد. مثلا طرح کاشت یک میلیارد نهال با وجود آنکه ذاتا اقدامی مثبت بوده و پرداختن به آن قابل تقدیر است، اما منتقدانی اساسی دارد.» مثلا چند ماه گذشته انجمن علمی جنگلبانی ایران بیانیه‌ای قابل تامل ارائه داد و تاکید داشت: «درخت‌داری، از درختکاری مهم‌تر است و هر نوع درختکاری بدون تهیه طرح، محکوم به شکست خواهد بود.» این بیانیه همچنین ضمن تاکید بر این نکته که اصل کاشت نهال در جهت کاهش فرسایش خاک، پالایش آلاینده‌ها، ترسیب کربن و... بسیار پسندیده است هشدار داده شده که رویکرد شعارگونه بدون پشتوانه علمی آسیب‌زاست. در چندین ماه گذشته سوالات بی‌جواب زیادی در این خصوص ایجاد شده است، مثلا آیا مقابله با عوامل تخریب جنگل و توجه به نگه داشت که به‌نوعی اقدامی ساده، راحت‌تر و اثربخش‌تر است! ارزش آن کمتر از کاشت یک میلیارد نهال است؟ اگر نگه داشت حائز اهمیت است پس این حجم از تخریب و قاچاق چوب، کمبود نیروی جنگلبان و عدم‌توجه به عوامل تخریب جنگل چیست؟ چگونه این اقدام سازمان منابع طبیعی مفید خواهد بود؟ با توجه به اینکه زراعت چوب در راستای پاسخگویی به نیازهای چوبی کشور است و در بازه‌ای نه چندان دور قطع خواهند شد، آیا زراعت چوب سرانه جنگل را در کشور افزایش خواهد داد؟ در این طرح قرار است حدود ۲۰ درصد از نیاز چوبی کشور تامین شود؛ گفته می‌شود بعد از سال ۱۳۹۶ که توقف بهره‌برداری چوب از جنگل‌های هیرکانی اعلام شد عملا فشار مضاعفی از نظر نیاز چوبی به بازار وارد شد. درواقع از یک میلیارد درخت کاشته شده ۳۰۰ میلیون برای تولید چوب قطع خواهد شد! چرا سازمان در تمامی این سال‌ها در خروج دام ناموفق عمل کرده است؟ و سوال مهم آخر، آیا اقدام سازمان منابع طبیعی درخصوص کاشت یک میلیارد نهال با وظایف دستگاه‌های تقریبا موازی، تداخل و تعارض منافع دارد؟ گرچه براساس موضوع کاشت یک میلیارد نهال عباسعلی نوبخت، معاون وزیر جهاد کشاورزی و رئیس سازمان منابع طبیعی و آبخیزداری کشور و مهدی سلیمی، رئیس سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌های کشور تفاهمنامه همکاری امضا کردند و با این اقدام سازمان منابع طبیعی مسئولیت حفاظت از بخشی از درختان را به شهرداری خواهد سپرد؛ اما درباره قطع درختان در شهر، خارج از اختیار سازمان منابع طبیعی است و قانون به آن اجازه دخالت نمی‌دهد. بر این اساس چگونه می‌توان تضمین کرد که شهرداری نظارت را برعهده گرفته و آن را درست انجام خواهد داد؟ اگرچه قانون مانند ماده ۶۸۶ قانون مجازات اسلامی برای مجازات قطع درختان وجود دارد اما تجربه نشان داده درصورت تخلف، راه‌های فرار زیادی وجود دارد! (مانند به‌صدا درآمدن زنگ هشدار خشک شدن درختان چیتگر به‌علت اینکه شهرداری در تامین آب درختان ناتوان بوده است؛ طرح تقسیط جرائم قطع درخت؛ خشک شدن باغ‌های تهران به‌دلیل بلاتکلیفی یا رهاکردن عمدی باغ‌ها توسط برخی مالکان به‌دلیل مخروبه شدن و اخذ مجوز ساخت‌وساز، مدیریت غیرپایدار باغ‌های شهری، لایحه «اصلاح دستورالعمل ماده ۱۴ قانون زمین شهری» توسط شهرداری، وجود مشکلاتی در آیین‌نامه اجرایی قانون حفظ و گسترش فضای سبز، که بر این اساس اعضای شوراهای شهر نباید در مسائل اجرایی دخالت کنند، اما نظردهی در کمیسیون ماده ۷ نوعی دخالت در فرآیند صدور پروانه به حساب می‌آید! لذا شهرداری در این خصوص مسبوق به سابقه است و قصوری داشته است...! با وصف این احوالات، یکی از اهداف طرح یک میلیارد نهال کمک به ارتقای سرانه فضای سبز شهرها گفته شده است!

براساس ماده ۲۲ قانون هوای پاک، شهرداری‌های شهرهای بالای پنجاه هزار نفر جمعیت حداکثر تا ۱۰ سال پس از ابلاغ این قانون موظف است با همکاری وزارت نیرو و ادارات منابع طبیعی شهرستان، سرانه فضای سبز را به حداقل ۱۵ متر مربع برساند! سوالی که در اینجا مطرح است اینکه سرانه برای چه شهری، با چه مشخصاتی و با چه وضعیت آلایندگی در نظر گرفته شده است؟ آیا با تعریف صحیحی درباره سرانه فضای سبز داشته و به گفتمان واحد درخصوص عدالت توزیعی و تخصیصی رسیده‌ایم؟ براساس اظهارات محمدمهدی مطیعی، رئیس کمیسیون محیط زیست شورای شهر اهواز، محاسبه سرانه فضای سبز به درستی تعریف نشده است. ایشان با ذکر مثالی در این خصوص به این مساله مهم پرداخته‌اند. از نظر ایشان محاسبه سرانه فضای سبز به‌گونه‌ای است که اگر در یک فضای پنج متری یک درخت باشد و ۲۰ متر آن طرف‌تر نیز یک درخت دیگر وجود داشته باشد، می‌گویند صد متر فضای سبز وجود دارد بنابراین اشکال در محاسبه این سرانه‌ها است و از طرف دیگر در این محدوده‌ها پوشش گیاهی نیز نداریم. به نظر می‌رسد با عدم توجه به یک‌سری ایرادات به همراه اقدام عجولانه در کاشت درخت بی‌نظمی و هرج‌ومرج و مشکلاتی در آینده نه چندان دور ایجاد خواهد شد. اگرچه ابهامات زیاد این طرح و شکایاتی، درخصوص نحوه اجرا و پشتوانه کارشناسی طرح یک میلیارد نهال پای کمیسیون اصل ۹۰ را به موضوع باز کرد و مقرر شد سازمان جنگل‌ها گزارشی درباره چگونگی اجرای طرح یک میلیارد درخت به کمیسیون اصل نود ارائه دهد و همچنان متخصصان و کنشگران منتظر ارائه این گزارش هستند، علی‌ایحال با وجود تمامی مشکلات فوق‌الذکر و وضعیت نسبتا نامناسب عرصه‌های جنگلی ایران، مجلس مجوز واگذاری حفاظت و بهره‌برداری از جنگل‌ها به اشخاص غیردولتی را صادر کرد! درواقع نمایندگان در جریان بررسی گزارش کمیسیون ویژه جهش و رونق تولید و نظارت بر اجرای اصل ۴۴ قانون اساسی طرح تامین مالی و جهش تولید مواد ۴۲، ۴۳ و ۴۴ این طرح را به تصویب رساندند. در ماده ۴۳ بند ۳ این متن آمده است که به‌منظور حفاظت و بهره‌برداری صیانتی از جنگل‌ها خارج از طرح‌های جنگلداری، به سازمان جنگل‌ها، مراتع و آبخیزداری کشور اجازه داده می‌شود جنگل‌کاری و حفاظت از جنگل‌ها، جلوگیری از قاچاق چوب و برداشت‌های غیرصیانتی را در قبال بهره‌برداری از درختان شکسته، افتاده، ریشه‌کن، خشک سرپا و آفت‌زده غیرقابل احیا به اشخاص غیردولتی به صورت رقابتی در قالب قرارداد واگذار نماید! این موضوع پتانسیل این را دارد که به موضوعی مهم و نگران‌کننده و برهم‌زننده نظم مناطق جنگلی تبدیل شود! در این خصوص مطالعات زیادی صورت گرفته است که با کلیدواژه‌های درختان خشک جنگل، یا به عبارت بهتر با عنوان خشکه‌دار قابل جست‌وجو هستند. براساس مقاله امیری و همکاران (۱۳۹۴) با عنوان ویژگی‌های ساختاری خشکه‌دار در یک جنگل دست‌نخورده طبیعی راش آمیخته (مطالعه موردی: جنگل شصت کلاته گرگان)، خشکه‌دار می‌تواند به‌عنوان یک شاخص موثر و ضروری در چرخه مواد غذایی، ذخیره کربن در بلندمدت، تجدید حیات جنگل، حفظ تولید و پایداری و ارزیابی تنوع زیستی اکوسیستم‌های جنگلی به کار رود لذا مطالعه و آگاهی از وضعیت آن می‌تواند کمک شایانی در نحوه مدیریت و بهره‌برداری از منابع جنگلی به مدیران و کارشناسان طرح‌های جنگلداری ارائه دهد. برگرفته از همین مقاله، امروزه مشخص شده است که بیش از یک سوم گونه‌های جنگلی اروپا جهت زنده ماندن به درختان مسن و خشکه‌دارها وابسته هستند، به علاوه خشکه‌دارها رویشگاه، پناهگاه و مواد غذایی موردنیاز را برای پرندگان، خفاش‌ها و سایر پستانداران فراهم می‌کنند و اهمیت زیادی برای موجودات کوچک جنگل از جمله حشرات، قارچ‌ها، نماتدها، گلسنگ‌ها و گیاهان بدون آوند و گیاهان آوندداز و جانوران مهره‌دار و همچنین نقش مهمی در سلامت و حاصلخیزی جنگل دارند. علی‌رغم اهمیت خشکه‌دارها در حال حاضر در بسیاری از جنگل‌ها در سطح پایینی قرار دارند، که می‌تواند به علت عملیات مدیریتی نامناسب در جنگل‌های تجاری و حتی مناطق حفاظت‌شده باشد. متوسط تعداد و حجم در هکتار خشکه‌دار در بسیاری از جنگل‌ها از جمله جنگل‌های اروپا و منطقه قفقاز به جز در جنگل‌های کمتر دست‌خورده طبیعی و حفاظت‌شده، معمولا کمتر از پنج درصد است. به‌طور کلی مقدار و حجم خشکه‌دار به‌وجودآمده در جنگل‌های طبیعی به نوع جنگل، مقدار تولید، مراحل توالی، الگوی پراکنش طبیعی، نوع و فراوانی حوادث و آشفتگی‌های طبیعی و انسانی منطقه، سابقه بهره‌برداری، نوع مدیریت و ویژگی‌های اقلیمی و خاکی رویشگاه بستگی دارد. خشکه‌دارها در جنگل معمولا شامل درختان سرپا و ریشه‌کن‌شده، تنه‌های افتاده، سیستم‌های ریشه‌ای پوسیده و درختان مسن و دچار آفت و تنه سوراخ‌شده می‌باشد. طبق بررسی‌های انجام‌شده، در جنگل‌های طبیعی و حفاظت‌شده راش خالص و آمیخته اروپا مجموع حجم خشکه‌دار (سرپا و افتاده) بین ۶ تا ۳۴۰ مترمکعب در هکتار، مقدار خشکه‌دار افتاده بین ۵۴ تا ۷۳ درصد، خشکه‌دار سرپا بین ۲۷ تا ۴۶ درصد و درجه پوسیدگی بیشتر آنها بین درجه ۲ تا ۳ به دست آمده است. نکته قابل‌توجه بیشتر این مطالعات، توجه به نقش و اهمیت خشکه‌دار در حفظ تولید، ذخیره کربن و تنوع زیستی است که این امر باید در جنگل‌های ایران نیز مورد توجه مدیران، کارشناسان و پژوهشگران قرار گیرد. بر این مبنا، تحقیقات متعدد و پراکنده‌ای درخصوص اهمیت اکولوژیکی خشکه‌دارها در مناطق جنگلی و تاثیر مثبت آن بر پویایی و زادآوری جنگل صورت گرفته است؛ ذوالفقاری و همکاران (۱۳۸۶) با مقاله‌ای با عنوان «نقش خشکه‌دارها در تجدید حیات طبیعی توده‌های جنگلی» یا مقاله شعبانی و همکاران (۱۳۹۸) با عنوان «بررسی نقش خشکه‌دار در زادآوری طبیعی درختان جنگلی (مطالعه موردی: راشستان لالیس، نوشهر)» بر این موضوع صحه می‌گذارد که خشکه‌دارها در تجدید حیات طبیعی در نقاط جنگلی مورد پژوهش پژوهشگران موثر بوده‌اند و بیشترین فراوانی نهال‌ها در مجاورت خشکه‌دارهایی با پوسیدگی زیاد مشاهده شده است. تعداد خشکه‌دارهای باقی‌مانده در یک اکوسیستم جنگلی به‌شدت به مدیریت جنگل وابسته است و یکی از اصول جنگل‌شناسی همگام با طبیعت حفظ خشکه‌دارهای موجود در اکوسیستم جنگلی است چراکه با اتمام عمر فیزیولوژیک وظایف اکولوژیک آن پایان نمی‌یابد! براساس مقاله خلیلی و همکاران (۱۳۹۸) با عنوان «الگوی پراکنش مکانی و میزان خشکه‌دارهای قطور در جنگل‌های طبیعی مدیریت‌شده و مدیریت‌نشده منطقه خیرودکنار نوشهر»؛ نتایج این پژوهش نشان داده است که فراوانی خشکه‌دارها در منطقه مدیریت‌شده بیشتر از منطقه مدیریت‌نشده بود، در حالی که حجم خشکه‌دارها در منطقه مدیریت‌نشده بیشتر بوده است. بیشترین تعداد در هکتار خشکه‌دارها در منطقه مدیریت‌شده و در طبقه کم‌قطر بوده و بیشترین حجم خشکه‌دارها مربوط به منطقه مدیریت‌نشده و در طبقه قطور و خیلی قطور می‌باشد. براساس نظر نویسندگان این مقاله میزان خشکه‌دارها به‌ویژه در جنگل‌های مدیریت‌شده از حد مناسبی برخوردار نبوده و به دلیل برداشت پایه‌های قطور زنده سرپا، علاوه‌بر توزیع نامناسب خشکه‌دارها به لحاظ کلاسه قطری، کیفیت آنها نیز مطلوب نبوده است. لذا کمیت و کیفیت خشکه‌دارها قبل از هرگونه اقدامات مدیریتی ضروری بوده و با توجه به اهمیت خرد زیستگاه‌ها و ضرورت حفظ آنها در مناطق مختلف، افزایش میزان خشکه‌دارها (به‌ویژه خشکه‌دارهای قطور افتاده) از جمله الزاماتی است که بایستی در هر منطقه مدنظر قرار گیرد. علی‌ایحال جدا از موارد فوق و تاثیر خشکه دارها یا به عبارتی همان درختان خشک شده و سود آنها در جنگل‌ها، چند تن از دانشگاهیان در سال ۱۳۹۷ درخصوص بهره‌برداری از جنگل‌های شمال در زمان اجرای طرح تنفس جنگل اعلام نظر کرده بودند. مثلا دکتر مجید لطفعلیان، عضو هیات علمی دانشکده منابع طبیعی ساری در این خصوص گفته بود: «وجود ۱۰ تا ۱۵ درصد درختان خشک در جنگل برای حفظ اکولوژی ضروری است، برای اینکه این درختان همانند اجزای زنده محل حیات و تغذیه بعضی از جانوران هستند.» براساس نظر ایشان در همه جای دنیا، خارج نکردن بخشی از درختان خشک، افتاده در اثر باد و طوفان، آتش‌سوزی یا به اصطلاح علمی «تنه و شاخه افتاده» (Coarse woody debris) ضروری است. در نظریه جنگلداری کلاسیک به این موضوع توجه نشده است! از نظر ایشان به نظر می‌رسد عده‌ای با هدف سوءاستفاده، وجود این نوع درختان را محل شیوع انواع آفات عنوان می‌کنند. البته وجود بیش از حد درختان خشک و افتاده نیز می‌تواند در زمان آتش‌سوزی یا سیلاب دردسرساز باشد و نیاز است تا توسط افراد مطمئن و فاقد نگاه سودجویانه و با نظارت از جنگل خارج شوند. اعتقاد ایشان بر این است که قطعه قطعه جنگل‌ها نیاز به برنامه خاص خودش را دارد. علاوه‌بر این، دکتر محمد امینی عضو دیگر هیات‌علمی دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی ساری نیز چند سال پیش و در زمان اعلام بهره‌برداری از درختان پیر، خشک و آفت‌زده و... در دوران تنفس جنگل، گفته بود حدود سه هزار و ۴۰۰ آبادی در حاشیه و داخل جنگل‌های شمال وجود دارد که ۹۰ درصد ساکنان آنها برای گرمایش منازل و پخت‌وپز از چوب جنگلی استفاده می‌کنند. با توجه به اینکه در طرح صیانت از جنگل‌های شمال در سال ۱۳۸۲ مقرر شد تا سوخت جنگل‌نشینان از هیزم جنگلی به فسیلی به‌ویژه گاز طبیعی تغییر کند، بررسی‌ها نشان داده که این طرح در کمتر از ۱۰ درصد از خانوارهای جنگل‌نشین عملی شده است. براساس نظر این استاد، سالانه حدود سه میلیون مترمکعب معادل زایش سالانه درختان جنگل‌های شمال، چوب‌های خشک افتاده و پوسیده توسط جنگل‌نشینان برای تامین سوخت جمع‌آوری می‌شود. این استاد دانشگاه با ذکر این نکته که ۲۰ درصد از درختان خشک افتاده و پوسیده باید به‌عنوان خوراک اکوسیستم جنگل در جنگل باقی بماند، اما به دلیل نظارت کم و نیاز جنگل‌نشینان، چوب‌های پوسیده جمع‌آوری می‌شود و چیزی زیادی باقی نمی‌ماند که ارزش اجرای تبصره را داشته باشد. علاوه‌بر این چهار هزار نوع موجودات خاک‌زی وجود دارد که از درختان پوسیده تغذیه می‌کنند و باقی ماندن بخشی از درختان افتاده و پوسیده برای تغذیه خاک جنگلی ضروری است. براساس نظر این استاد، پوسیده شدن درختان خشک در چهار مرحله اتفاق می‌افتد و در مدت زمان ۲۰ ساله تبدیل به کود می‌شوند. در این شرایط ورود بهره‌برداران تجاری برای پیدا کردن درختان خشک و شکسته در جنگل‌های شمال غیرقابل توجیه و زیانبار است. در واقع تردد تراکتور و دیگر خودروهای سنگین در جنگل‌های شمال برای پیدا کردن چوب‌های شکسته یک فاجعه و بحران محسوب می‌شود. عمده درختان جنگل‌های شمال کهنسال هستند و بررسی‌ها نشان می‌دهد که سالانه ۰٫۲ مترمکعب در هکتار درخت خشک و شکسته به وجود می‌آید! علی‌ایحال ما در حال حاضر با دو چالش مواجه هستیم: یک، مدیریت جنگل‌ها یا به عبارتی ادامه روند بهره‌برداری به شیوه‌های کنونی و دوم، تنفس جنگل. متخصصان علوم زیستی معتقدند که با اجرای طرح تنفس جنگل می‌توان بخش‌های ازدست‌رفته جنگل‌ها را احیا کرد. در مقابل مخالفان معتقدند که رها کردن جنگل تحت هر عنوانی مغایر با صیانت و حفاظت است. اجرای طرح توقف بهره‌برداری از دیدگاه این گروه به معنای تعطیل شدن طرح‌های جنگلداری است، درحالی‌که آنها معتقدند طرح‌های جنگلداری ابزار و مدیریت بر عرصه‌های جنگلی است! مخالفان ایده استراحت جنگل عنوان می‌کنند که سطح جنگل بعد از اجرای طرح توقف بهره‌برداری از نیروهای حفاظتی مجریان طرح‌ها و پایش مستمر فعالیت آنان توسط نیروهای منابع طبیعی در سطوح مختلف خالی گشته و این خود سبب تجاوز بیشتر به عرصه‌های جنگلی، تغییر کاربری اراضی و افزایش قاچاق چوب می‌شود. اما موافقان این طرح معتقدند عملیات بهره‌برداری به زادآوری جنگل و درختان مجاور آسیب می‌زند! لذا تضادهای موجود در نظرات موافقان و مخالفان این طرح، ضرورت مطالعه در این خصوص را دوچندان نموده است. در این خصوص، کشاورز و همکاران در مقاله‌ای با عنوان «ارزیابی میزان موفقیت اجرای طرح توقف بهره‌برداری از جنگل‌های شمال کشور (مطالعه موردی: استان گیلان)» به این مساله پرداخته است. نتایج این پژوهش نشان داده که طرح توقف بهره‌برداری در برخی موارد اختلاف معنی‌داری مبتنی بر کاهش آسیب‌رسانی ازجمله پرونده‌های تخریب و تصرف اراضی ملی (افزایش)، کت زدن و سوزاندن (کاهش)، قطع نهال (کاهش)، و آزادسازی اراضی ملی (افزایش) را نشان داده است. همچنین نتایج این تحقیق مشخص کرده که این طرح در زمینه قطع درخت و درختچه، کشفیات هیزم و چوب و تعداد و مساحت حریق‌ها اختلاف معنی‌داری با گذشته ایجاد نکرده است. لذا نتایج این پژوهش نشان داد که با در نظر گرفتن تمامی معیارها و شاخص‌ها هرگونه طرحی در جنگل با اسامی استراحت و تنفس، پایه علمی نداشته و بازنگری در این زمینه ضروری است. اگرچه تمامی کارشناسان به وجود معایبی در طرح‌های موجود اذعان داشته‌اند، لیکن راه‌حل آن را نیز به‌روزرسانی و رفع معایب طرح‌های کنونی دانسته‌اند. درنهایت باید گفت براساس ماده ۱۵ قانون افزایش بهره‌وری بخش کشاورزی و منابع طبیعی مصوب ۱۳۸۹، دولت مکلف است ضمن اعمال ممنوعیت بهره‌برداری مازاد بر توان زادآوری طبیعی، احیایی و زیست‌محیطی (اکولوژیک) جنگل‌های کشور، ترتیبات و تمهیدات لازم را جهت اصلاح الگوی مصرف چوب‌های جنگلی اعم از صنعتی و غیرصنعتی، جایگزینی سوخت فسیلی و انرژی‌های تجدیدپذیر به جای سوخت‌های هیزمی، خروج دام از جنگل و ساماندهی جنگل‌نشینان به عمل آورده و با استفاده از توان و سرمایه‌های بخش‌های غیردولتی نسبت به احیا و توسعه درختکاری مثمر و غیرمثمر و بوستان‌های جنگلی و زراعت چوب اقدام کند، به گونه‌ای که ظرف ۱۰ سال ضریب حفاظتی جنگل‌ها و مراتع از ۴۰ درصد به ۹۰ درصد و سرانه جنگل از ۰٫۱۷ هکتار به ۰٫۲۵ هکتار برسد. اما آیا اقدامات پرابهام مانند واگذاری اراضی جنگلی از سوی دولت به اشخاص، جمع‌آوری درختان افتاده و خشک، شکسته، آفت‌زده و... بدون آنکه مقدمات علمی و زیرساخت‌های قابل اندازه‌گیری برای این منظور آماده شده باشد، عدم آمار دقیق از تعداد و نوع درختان افتاده و بهره‌برداری از درختان شکسته و افتاده، راه را برای غارت درختان سالم باز نخواهد کرد؟ آیا برداشت درختان شکسته و افتاده، فرصتی برای چنگ‌اندازی به جنگل‌ها نخواهد شد؟ آیا با واگذاری حفاظت و بهره‌برداری از جنگل‌ها به اشخاص غیردولتی مسیر برای غارت بیشتر جنگل‌ها و سود برخی افراد هموار نخواهد شد؟ آیا واگذاری حفاظت و بهره‌برداری از جنگل‌ها به اشخاص غیردولتی مشروعیت دادن به کارهای غیرقانونی محسوب نخواهد شد؟ و در آخر آیا ابهامات زیاد طرح یک میلیارد نهال و... ما را به اجرای این قانون و حفظ درختان موجود و افزایش سرانه مناطق جنگلی خواهد رساند؟

چهارشنبه ۲۹ شهریور ۱۴۰۲
شماره ۳۹۶۳
WWW.FDN.IR
FARHIKHTEGANDAILY